

تبیین مبانی نظری شاخص فلاکت و شاخص توسعه انسانی

(مطالعه موردی: ایران و گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در

دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۵)

سارا افشار

دانشجوی کارشناسی اشد مهندسی سیستم های اقتصادی اجتماعی دانشگاه آزاد
اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

Sara_afshar1368@yahoo.com

چکیده

توسعه انسانی آمیزه ای از توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است بر اساس این بینش توسعه انسانی بسط انتخاب های انسانی می باشد. چون انسان جنبه هایی فراتر از زندگی مادی دارد و از جنبه های مهمی مانند فکری و معنوی برخوردار است باید تلاش کند به محیطی دست یابد که قابلیت و توانمندی هایش را افزایش دهد تا بتواند در جنبه های مختلف زندگی خود قدرت انتخاب بهتری داشته باشد و استعداد های خود را بهتر نشان دهد. در این راستا هدف اصلی این

تحقیق بررسی ارتباط تئوریک و میزان تأثیرگذاری شاخص فلاکت بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: شاخص فلاکت، شاخص توسعه انسانی، ایران، کشورهای درآمد متوسط

مقدمه

برنامه ریزان و سیاستگذاران در کشورهای مختلف به دنبال ارزیابی سریع و دقیق تصمیم‌ها و سیاست‌های خود هستند تا بتوانند زمان لازم را برای اجرای تغییرات و تعدیلهای احتمالی در سیاستها و برنامه‌ریزی‌ها فراهم آورده و از هدر رفتن منابع و فرصتها جلوگیری نمایند. محاسبه شاخصهای مختلف در بخشهای مختلفی همچون اقتصاد، آموزش، بهداشت، امور اجتماعی چنین ابزاری را فراهم می‌کنند و مقایسه شاخصها می‌تواند معیاری برای ارزیابی و گزینش سیاستها و برنامه‌های مفیدتر باشد. با توجه به این که تهیه شاخصهای دقیق مستلزم صرف وقت و هزینه زیادی از شاخصهای ترکیبی استفاده می‌شود و این شاخصهای ترکیبی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. تهیه شاخصهای ترکیبی برای تحلیل اوضاع اقتصادی بهتر و دقیقتر از تک تک شاخصها بوده و همچنین جنبه پیش بینی را نیز در خود دارند. اگرچه شاخصها به صورت یک عدد مطلق و بدون واحد هستند و حداکثر وضعیت موجود را به نمایش می‌گذارند ولی شاخصهای ترکیبی می‌توانند ضمن حفظ خواص شاخصها، افق پیش رو را نیز روشنتر نمایند. از دیگر نکات قابل توجه در شاخصهای ترکیبی انعطافپذیری آنها در خصوص ترکیب با

شاخص‌های دیگر است. بسیاری از اوقات یک شاخص عددی تنها اطلاعات زیادی منعکس نمی‌کند ولی با ترکیب چند شاخص عددی می‌تواند به یک نماگر ارزشمند که انعکاس دهنده بخش‌هایی از وضعیت جامعه است، دست یافت.

شاخص فلاکت^۱ از جمله این شاخص‌های ترکیبی اقتصادی است که به وسیله اقتصاددانانی مانند رابرت بارو^۲ و آرتور اوکان^۳ در دهه ۷۰ میلادی معرفی شد.

شاخص فلاکت از ترکیب دو شاخص مهم اقتصادی یعنی نرخ بیکاری^۴ و نرخ تورم^۵ به صورت یک ترکیب خطی معمولی تهیه می‌شود. شاخص فلاکت در برخی موارد نشان دهنده توام تورم و رکود اقتصادی یک کشور است و بسیار گویاتراز تورم به تنهایی و یا بیکاری به تنهایی است. در واقع این شاخص بیان می‌دارد که تورم فزاینده در کنار بیکاری رو به افزایش در یک کشور، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی فراوان در بر خواهد داشت. بر اساس تعاریف علم اقتصاد، رابطه میان تورم و اشتغال معکوس است. زیرا با افزایش تورم و رشد قیمت‌ها تولید کنندگان تشویق به افزایش تولید می‌شوند و در نتیجه میزان بیکاری کاهش می‌یابد. البته این ارتباط مربوط به اقتصاد کشورهای توسعه یافته است که نرخ تورم در آن کشورها تک رقمی است در چنین کشورهایی برنامه ریزان همیشه در تلاش هستند در نقطه تعادل میان بهینه‌ی اشتغال و تورم قرار گیرند.

۱. Misery index

۲. Robert Barro

۳. Arthur okan

۴. Unemployment Rate

۵. Inflation Rate

در حالی که در کشورهای دچار تورم مزمن، این تورم دو رقمی است و رابطه میان تورم و بیکاری یک رابطه مستقیم است که با افزایش تورم، بیکاری نیز در این نوع اقتصادها افزایش پیدا می‌کند در چنین حالتی اقتصاد دچار تورم و رکود توأمان است که به اصطلاح چنین شرایطی را رکود تورمی می‌نامند. (دانش جعفری و دیگران، ۱۳۹۳)

شاخص توسعه انسانی به صورت فرایند افزایش گزینه‌های مردم و افزایش سطح رفاه زندگی تعریف گردیده و برخورداری انسان از زندگی طولانی و سالم در محیط غنی را نشان می‌دهد. شاخص توسعه انسانی با سه نماگر اندازه‌گیری و مورد مقایسه قرار می‌گیرد. طول عمر به وسیله امید به زندگی در بدو تولد، آموزش به وسیله ترکیبی از میزان سواد بزرگسالان و نسبت ثبت نام ترکیبی در آموزش ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی (میانگین سال‌های تحصیل)، استاندارد زندگی به وسیله GDP سرانه و یا درآمد اندازه‌گیری می‌شود. شاخص توسعه انسانی از میانگین ساده حسابی سه شاخص امید به زندگی، آموزش و درآمد ملی سرانه به دست می‌آید. در محاسبه، هر زیر شاخص ابتدا به صورت نرمال در آمده و سپس شاخص توسعه انسانی براساس آنها تعیین می‌شود. دلیل انجام چنین فرآیندی، متفاوت بودن واحدهای سه شاخص اصلی می‌باشد. درآمد سرانه برحسب دلار، امید به زندگی بر حسب سال و میانگین سال‌های تحصیل نیز بر حسب سال می‌باشد. در نهایت، شاخص توسعه انسانی به صورت میانگین سه زیر شاخص درآمد ملی سرانه، آموزش و بهداشت به دست می‌آید (دانش جعفری و دیگران، ۱۳۹۳).

به دلیل آثار تخریبی بیکاری در همه ابعاد زندگی اجتماعی انسانها، وجود بیکاری تبعات سیاسی خاصی نیز برجای می‌گذارد از جمله عوارض

سیاسی آن عدم علاقه و دخالت نیروهای بیکار در تعیین سرنوشت کشور، جامعه و محله خود از طریق مشارکت سیاسی می‌باشد که این بی‌تفاوتی موجب رشد نظام‌های تک حزبی شده و منجر به روی کار آمدن حکومت‌های استبدادی و خودکامه می‌شود. (کاهه، ۱۳۸۵)

اهداف تحقیق

- تبیین مبانی نظری شاخص فلاکت و شاخص توسعه انسانی.
 - بررسی روند شاخص فلاکت و شاخص توسعه انسانی در ایران و گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۵.
- مهمترین بحث اقتصادی در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم - به ویژه در کشورهای در حال توسعه - مسأله رشد اقتصادی بوده است. از این رو نظریه‌های بسیاری در باب مسأله رشد اقتصادی در طول سال‌های پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است. هدف اساسی نظریه‌های رشد اقتصادی، توضیح عوامل تعیین کننده نرخ‌های رشد در یک کشور و بررسی دلایل تفاوت نرخ‌های رشد و درآمدهای سرانه بین کشورها می‌باشد. از جمله عواملی که تأثیر بسزایی بر رشد اقتصادی برخی کشورهای در حال توسعه داشته، نرخ تورم و نرخ بیکاری است. وجود بیکاری در سطح نسبتاً وسیع از جمله ویژگی‌های بارز اغلب کشورهای در حال توسعه است. از سوی دیگر تورم نیز یکی از مشکلات اساسی مخصوصاً در کشورهای در حال گذر است و عمدتاً اثرات نامطلوبی بر فرایند رشد و توسعه بر جای گذاشته است (ذبیحی، ۱۳۹۱).

شاخص فلاکت

شاخص فلاکت از جمله شاخص‌های ترکیبی اقتصادی می‌باشد. این شاخص از

جمله نماگرهای اقتصادی است که به وسیله اقتصاددانانی مانند رابرت بارو ۱ و آرتور اوکان ۲ در دهه ۷۰ میلادی معرفی گردید که از ترکیب دو شاخص مهم اقتصادی یعنی نرخ بیکاری و نرخ تورم به صورت یک ترکیب خطی معمولی تهیه می‌شود. این شاخص با شاخص مشابه دیگری که توسط روبرتو بارو ابداع شده تفاوت دارد چرا که شامل تولید ناخالص داخلی و نرخ بانکی نیست (دانش جعفری و دیگران، ۱۳۹۳).

تورم

تورم یکی از پدیده‌های قدیمی و شاید یکی از معضلات اساسی جوامع بشری از دیرباز تاکنون بوده است. از این رو است که بسیاری از صاحب نظران اقتصادی تورم و روند فزاینده قیمت‌ها را بلای قرن حاضر در اقتصاد می‌دانند. نکته بسیار مهم در مورد تورم و قیمت‌ها، نحوه شکل‌گیری آن و در واقع مشخصه اصلی تورم می‌باشد. در گذشته مفاهیم مربوط به تورم و تئوری‌های آن با تئوری‌های حال حاضر و دهه‌های اخیر متفاوت بوده و این به دلیل تفاوت در ساختار تورم و عوامل موثر بر آن می‌باشد. رکورد تورمی یکی از معضلات اساسی کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته در دنیای امروز می‌باشد که با تئوری‌های پیشین قابل توجیه نیست. علاوه بر آثار اقتصادی تورم بر ساختار اقتصاد و متغیرهای کلان اقتصادی، تورم در عصر حاضر ابعاد اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای نیز پیدا کرده است. دلیل این مساله ارتباط تنگاتنگ تورم با زندگی افراد جامعه می‌باشد. علاوه بر آن ثبات سیاسی و اقتصادی

۱ Robert Barro

۲ Arthur okan

یک کشور را از طریق شاخص‌های متفاوتی سنجش می‌کنند که تورم یکی از آن‌ها می‌باشد (کوشک نوری، ۱۳۸۶).

در مجموع تورم ناشی از وضعیتی است که سطح عمومی قیمت‌ها به طور بی‌رویه و یا بی‌تناسب و به طور مداوم به مرور زمان افزایش می‌یابد. در یک تعریف دیگر از تورم با نام تورم پولی، برخی تورم پولی را افزایش شدید، نامناسب و غالباً غیر قابل بازگشت قیمت‌ها که جنبه‌ی عمومی و حالت خود افزا و روز افزون دارد، تعریف می‌کنند. این افزایش ممکن است از افزایش حجم پول و اعتبار، یا عوامل دیگر همچون افزایش نامتناسب هزینه‌های تولید، بالا رفتن قیمت‌ها در خارج از کشور و یا عواملی همچون بروز سیل و خشکسالی باشد (کوشک نوری، ۱۳۸۶).

بیکاری

معضل بیکاری یا به عبارت دقیق‌تر عدم انطباق کمی و کیفی فرصت‌های شغلی موجود با جمعیت فعال (عدم تطبیق عرضه و تقاضای نیروی کار) یکی از مسایل همیشگی پیش روی جوامع کمتر توسعه یافته است که کارشناسان دلایل مختلفی را برای آن مطرح نموده‌اند. بیکار به کسی اطلاق می‌شود که دارای شغل نیست و طی ۴ هفته گذشته فعالانه به جستجوی شغل پرداخته است یا منتظر آن است دوباره به شغلی فراخوانده شود و یا در انتظار آن است که پس از چهار هفته شغل جدیدی را اختیار کند. الزام شرط جستجو برای کار طی چهار هفته گذشته برای تضمین این امر است که فرد فعالانه به یافتن شغل علاقمند بوده است و صرفاً علاقه‌ی خود را برای شغلی که به طور اتفاقی پیدا

شود بیان نمی‌کند (دورنبوش، فیشر، ۱۳۸۰).

شاخص توسعه انسانی

توسعه انسانی آمیزه‌ای از توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است بر اساس این بینش توسعه انسانی بسط انتخاب‌های انسانی می‌باشد. چون انسان جنبه‌هایی فراتر از زندگی مادی دارد و از جنبه‌های مهمی مانند فکری و معنوی برخوردار است باید تلاش کند به محیطی دست یابد که قابلیت یا توانمندی انسان‌ها را افزایش دهد تا انسان بتواند در جنبه‌های مختلف زندگی خود دست به انتخاب بهتری بزند و قدرت انتخاب بهتری داشته باشد و استعدادهای خود را بهتر نشان دهد مفهوم توسعه انسانی گویای آن است که هدف اصلی توسعه بهره‌مند ساختن راستین انسان است.

هدف توسعه پرورش انسان‌ها و گسترش امکانات اوست. درآمد تنها یکی از این امکان‌هاست و البته امکان ضروری است اما زندگی حقیقی انسان چیز دیگری است. برخورداری انسان از زندگی سالم و خلاق در محیط زیستی غنی و در جامعه مدنی مردم‌سالار هدف نهایی توسعه است. پیشرفت‌های مادی و افزایش رفاه جامعه نیز شرط لازم برای پرداختن مردم به نیازهای متعالی‌تر و با ارزش‌تر است ولی چنین تلاشی شرط کافی به حساب نمی‌آید.

اقتصاددانان تا مدت‌ها توسعه را به معنای رشد ناخالص ملی می‌دانسته‌اند درست است که برخورداری از درآمد می‌تواند بسیار مهم باشد اما رفاه بیشتر به چگونگی استفاده از این درآمد بستگی دارد تا به میزان آن. بسیاری از کشورها از سطح بالای توسعه برخوردارند

حال آن که از نظر درآمد کشوری متوسط هستند ولی در مقابل کشورهای یافت می‌شوند که با برخورداری از سطح در آمد نسبتا بالا از نظر توسعه انسانی چندان پیشرفتی نکرده‌اند و انگهی، ناراحتی‌ها و مشکلات و پریشانی‌های روزافزون و تباهی فزاینده محیط زیست حتی در کشورهای ثروتمند جهان گواه روشنی است که سطح بالای درآمد به خودی خود پیشرفت انسانی را تضمین نمی‌کند. در واقع توسعه، ثمره یک تحول فکری است. به نوعی که بنیان‌ها و نهادهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشورها را به نحوی متحول می‌سازد که زمینه مناسب را برای رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی را فراهم می‌آورد و از طرفی زمانی که استعدادهای انسانی شکوفا گردد رشد و توسعه همه جانبه را به دنبال خواهد داشت. (رمضانی ۲۷، ۱۳۹۲)

اولین اقتصاددانان توسعه، در تعریف توسعه بیشتر بر رشد اقتصادی تاکید می‌کردند از این رو دستیابی به رشد اقتصادی در قالب اتخاذ سیاست‌های مختلف هدف اصلی توسعه قرار گرفت (رمضانی، ۱۳۹۲).

در پی نا کارآمد بودن شاخص‌های اقتصادی در تبیین رشد و توسعه، شاخص توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ توسط آرماتیاسن - برنده جایزه نوبل و اقتصاددان پاکستانی محبوب الحق و با همکاران گوستاو رانیس استاد دانشگاه بیل و دسای استاد دانشگاه اقتصاد لندن مطرح شد و از همان زمان توسط سازمان ملل متحد مورد استفاده قرار گرفت. هر ساله، از سال ۱۹۹۵ سازمان ملل گزارش توسعه انسانی را که به جنبه‌های وسیع‌تر توسعه معطوف است، منتشر می‌کند. سن توانمندی انسانی را در بهبود سطح استاندارد زندگی مورد تاکید قرار داده است حبوب الحق ساده بودن این شاخص را معیاری مناسب در اندازه‌گیری شاخص توسعه انسانی می‌داند.

این شاخص ضمن این که معیاری برای اندازه‌گیری رفاه شهروندان به دست می‌دهد اثر سیاست‌های اقتصادی بر کیفیت زندگی شهروندان را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص کشورها را بر حسب کیفیت زندگی شهروندان و نه صرفاً براساس ارقام در آمد سرانه آنها رتبه‌بندی می‌کند (رمضانی، ۱۳۹۲).

محاسبه شاخص توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی یک شاخص ترکیبی است و از شاخص‌های امید به زندگی در بدو تولد، میانگین تعداد سال‌های تحصیل کشور و امید به تعداد سال‌های تحصیل کشور و دستیابی به استانداردهای زندگی تشکیل می‌شود که به ترتیب معیارهای سلامت، آموزش و درآمد را تشکیل می‌دهند. (رمضانی، ۱۳۹۲)

سازمان توسعه ملل متحد از رابطه زیر برای محاسبه شاخص توسعه انسانی استفاده می‌کند.

(۹-۲)

$$X_i \text{.index} = \frac{x_1 - \min(x)}{\max(x) - \min(x)}$$

X_1 بیانگر شاخص مورد نیاز و X_i بیانگر شاخص مورد نیاز در کشور I می‌باشد.

مقادیر حداقل و حداکثر به کار رفته برای محاسبه هر یک از شاخص‌ها قراردادی است که توسط برنامه توسعه ملل متحد معین گردیده است.

• شاخص امید به زندگی

امید به زندگی، امید به زنده ماندن فرد به هنگام تولد را نشان

می‌دهد، به شرط آن که الگوی رایج مرگ و میر، به هنگام تولد فرد به همان صورت باقی بماند. این شاخص تابع سلامتی، کیفیت زندگی، امکانات بهداشتی و درمانی، دسترسی به حداقل‌های لازم برای زندگی، نبودن نگرانی و بر خورداری از آرامش، امنیت اقتصادی و اجتماعی است. به عبارت دیگر، بر خورداری از تندرستی در بلند مدت، آسیب پذیری در برابر بیماری یا مرگ‌های ناگهانی را کاهش می‌دهد. شاخص امید زندگی از تفاضل امید به زندگی در کشور و کمترین سال‌های زنده ماندن (۲۵ سال) که استاندارد بین المللی برای برآورد شاخص امید زندگی است، تقسیم بر بیشترین سال‌های زنده ماندن و کمترین سال‌های زنده ماندن به دست می‌آید.

$$LEI = \frac{\text{شاخص آموزش} (۱۰-۲) - ۲۵}{\text{زندگی} - ۲۵}$$

شاخص آموزش، دو معیار نرخ با سواد بزرگسالان و نرخ نام نویسی ناخالص به صورت ترکیبی از نرخ ثبت نام در آموزش ابتدایی، متوسطه و تحصیلات عالی را در برمی گیرد.

$$EI = \frac{2}{3} (\text{شاخص با سواد بزرگسالان}) + \frac{1}{3} (\text{شاخص ثبت نام نویسی ناخالص})$$

$$EI = \frac{\text{نرخ با سواد بزرگسالان} - ۵}{۱۰۰ - ۵} \quad (۱۱-۲)$$

○ - نرخ ثبت‌نام نویسی ناخالص = شاخص ثبت‌نام نویسی ناخالص (۱۲-۲)

$$= \frac{\text{شاخص ثبت‌نام نویسی ناخالص}}{100-0}$$

● **شاخص تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه**

داخلی سرانه براساس قدرت خرید دلار، از لگاریتم این رقم جهت تعدیل این شاخص استفاده شده است (حصاری، به دلیل شکاف و فاصله زیاد بین کشورهای دارای درآمد بالا و پائین، برای محاسبه این شاخص، به جای رقم مطلق تولید ناخالص (۱۳۸۸).

شاخص درآمد سرانه از تقسیم درآمد ملی کشور (تولید ناخالص داخلی) بر جمعیت آن کشور به دست می‌آید و از آن جا که شاخص درآمد سرانه از قیمت‌های محلی کشورها محاسبه می‌گردد و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید (PPP) استفاده می‌گردد. در این روش، مقدار تولید کالاهای مختلف در هر کشور در قیمت‌های جهانی آن کالا ضرب شده و پس از انجام تعدیلات لازم تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می‌گردد.

$$\text{شاخص GDP} = \frac{\ln(\text{GDP}) - \ln(10)}{\ln(40000) - \ln(10)} \quad (13-2)$$

شاخص توسعه انسانی، به صورت میانگین ساده‌ی سه شاخص فوق و با وزن‌های مساوی محاسبه می‌شود:

$$\text{HDI} = \frac{1}{3}(\text{LEI} + \text{E}) \quad (14-2)$$

مقدار هر یک از این شاخص‌ها می‌تواند بین صفر و یک تغییر کند، سازمان ملل حداقل و حداکثری مقداری را برای تعیین ارزشی بین صفر و یک برای HDI مشخص نموده است. که عدد یک نشان دهنده بالاترین سطح رفاه و توسعه یافتگی کشور است.

بر اساس گزارش برنامه سازمان توسعه ملل متحد کشورهای جهان بر اساس

شاخص توسعه انسانی آنها به سه گروه تقسیم شده اند:

- کشورهای با توسعه انسانی بالا $HDI \geq 0.8$
- کشورهای با توسعه انسانی متوسط $0.5 \leq HDI < 0.8$
- کشورهای با توسعه انسانی پایین $HDI < 0.5$

روش جدید محاسبه شاخص توسعه انسانی به صورت زیر می باشد.

• شاخص امید به زندگی

(۱۵-۲)

$$LEI = \frac{LE - 20}{63.2}$$

LEI: شاخص امید به زندگی

EI: امید به زندگی

• شاخص آموزش

(۱۶-۲)

$$EI = \frac{\sqrt{MYSLEYSI}}{0.951}$$

EI: شاخص آموزش

MYSI: شاخص میانگین سال های تحصیل

EYSI: سال تحصیل مورد انتظار

میانگین سال های تحصیل بزرگسالان

$$MYSI = \frac{\text{شاخص میانگین سال های تحصیل بزرگسالان}}{13/2} \quad (17-2)$$

سال های مورد انتظار تحصیل برای کودکان

$$MYSI = \frac{\text{شاخص میانگین سال های تحصیل بزرگسالان}}{13/2} \quad (18-2)$$

• شاخص درآمد

II: شاخص درآمد

GNI: درآمد سرانه

$$\text{II شاخص درآمد} = \frac{\ln(\text{GNI}_{pc}) - \ln(163)}{\ln(108.211) - \ln(163)} \quad (2-19)$$

در نهایت شاخص توسعه انسانی از میانگین هندسی سه شاخص محاسبه می‌گردد:

$$\text{HDI} = \sqrt[3]{LI} \quad (2-20)$$

شاخص HDI معیار کلی از وضعیت توسعه انسانی است که دست آورد کشورها را در سه بعد اساسی توسعه شامل بهداشت و سلامت، آموزش و سطح استاندارد زندگی را نشان می‌دهد، اما از آن جایی که این موضوعات کیفی و بسیار کلی می‌باشند، لازم است برای کمی نمودن آنها متغیرهای جانشین در هر موضوع در نظر گرفته شود و با استفاده از آمار اطلاعات موجود در این زمینه و استفاده از روش‌های آماری مناسب به محاسبه شاخص کلی و ترکیبی HDI پرداخت.

معرفی متغیرهای جانشین

به منظور ارائه شاخص‌های کمی و قابل اندازه‌گیری در هر یک از این سه زمینه و استخراج شاخص HDI لازم است متغیرهای جانشین در نظر گرفته شود. در گزارش‌های منتشره توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۰ تا قبل از گزارش سال ۲۰۱۰ برای موضوع بهداشت و سلامت، مدت و سلامت زندگی که با شاخص امید به زندگی در بدو تولد، برای موضوع آموزش دو شاخص نرخ با سوادی در افراد بزرگسال و نرخ ثبت نام در مدرسه (مقاطع تحصیلی ابتدایی تا دبیرستان) و برای سطح استاندارد زندگی، شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی بر حسب برابری

قدرت خرید به دلار آمریکا در نظر گرفته شده بود. اما در گزارش سال ۲۰۱۰ به غیر از موضوع بهداشت که همچنان با شاخص امید به زندگی در بدو تولد اندازه گیری می شود، در خصوص دو شاخص دیگر متغیرهای جانشین تغییر نموده اند. به این صورت که برای موضوع آموزش از دو شاخص متوسط طول دوره ای که صرف آموزش می شود (در افراد بزرگسال ۲۵ سال به بالا) طول دوره مورد انتظار برای تحصیل کودکان در سن ورود به مدرسه و برای موضوع سطح استاندارد زندگی به جای تولید ناخالص داخلی سرانه از سرانه درآمد ناخالص ملی استفاده شده است. این مطلب به صورت خلاصه در ۰ نشان داده شده است.

جدول ۱-۲- متغیرهای جانشین برای ابعاد سه گانه توسعه انسانی

متغیرهای جایگزین		ابعاد توسعه
روش جدید	روش قدیم	
امید به زندگی در بدو تولد متوسط طول دوره های که صرف آموزش می شود (در افراد بزرگسال ۲۵ سال به بالا)	امید به زندگی در بدو تولد	بهداشت و سلامت
طول دوره مورد انتظار برای تحصیل کودکان در سن ورود به مدرسه	نرخ باسوادی نرخ ثبت نام در مدرسه	آموزش
GNI سرانه	GDI سرانه	استاندارد

		زندگی
--	--	-------

مأخذ: گزارش‌های توسعه انسانی منتشرشده از سوی برنامه توسعه سازمان ملل متحد.

ارتباط میان شاخص فلاکت و شاخص توسعه انسانی

با توجه به این که شاخص فلاکت از مجموع دو شاخص تاثیرگذار اقتصادی یعنی «نرخ بیکاری» و «نرخ تورم» به دست می‌آید، لذا جهت تبیین رابطه شاخص فلاکت با شاخص توسعه انسانی، رابطه اجزای این شاخص یعنی تورم و بیکاری را با شاخص توسعه انسانی بررسی می‌گردد.

• آثار بیکاری در اقتصاد

پیامدهای اجتماعی بیکاری ابتدا در خانواده ظاهر می‌شود. به دلیل بیکاری و عدم امکان تأمین نیازمندی‌ها و تعهدات جاری امکان بروز اختلاف میان اعضای خانواده شدت می‌یابد و در بسیاری از موارد ممکن است از حوزه مشاجره و برخورد لفظی وارد میدان برخوردهای فیزیکی شده که احتمالاً به نهادهای انتظامی و قضایی کشیده می‌شود و زمینه طلاق و از هم پاشیده شدن نهاد خانواده را افزایش می‌دهد. از سویی به دلیل عدم امکان تأمین حداقل نیازمندیها، در روند تحصیل فرزندان و آینده آنها اثر سویی گذارده و در پاره‌ای از مواقع به ترک تحصیل آنها می‌انجامد که خودسبب می‌گردد که برخی از آنها به دام باندهای بزهکار یا دارای فساد اخلاقی افتاده و به پدیده‌های آسیب‌شناختی روی آورند. مضافاً فردی که بیکار شده و فضای زندگی پرآشوبی دارد می‌تواند آمادگی بیشتری برای اعتیاد و انجام امور خلاف قانون داشته باشد که ممکن است در دام وسوسه‌های کج رفتاری

افتاده و ضمن تباہ ساختن خود و خانواده، آثار سویی نیز در ابعاد جامعه بر جای بگذارد (کاهه، ۱۳۸۵).

به دلیل آثار تخریبی بیکاری در همه ابعاد زندگی اجتماعی انسانها، وجود بیکاری تبعات سیاسی خاصی نیز برجای می‌گذارد از جمله عوارض سیاسی آن عدم علاقه و دخالت نیروهای بیکار در تعیین سرنوشت کشور، جامعه و محله خود از طریق مشارکت سیاسی می‌باشد که این بی‌تفاوتی موجب رشد نظام‌های تک حزبی شده و منجر به روی کار آمدن حکومت‌های استبدادی و خودکامه می‌شود. نمونه بارز آن را می‌توان متعاقب بیکاری وسیع در آلمان بیان کرد که در فرآیند روند رو به گسترش و توسعه بیکاری، زمینه و بستر مناسبی برای روی کار آمدن حکومت نازی در آلمان شد که آثار سوء خود را از بعد سیاسی گذاشت و جهانی را در آتش جنگ جهانی دوم سوزاند و زیان‌های جبران ناپذیری در تاریخ بشریت برجای گذاشت (کاهه، ۱۳۸۵).

بیکاری موجب تضعیف ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای رفتاری می‌گردد و حتی در روند استمرار آن گاهی به رفتارهای ضد اخلاقی و غیرارزشی تبدیل می‌شود و در مواردی مشاهده شده است که فرد بیکار در جهت تأمین پاره‌ای از نیازمندی‌ها، اعضای خانواده خویش را به انجام رفتارهای ضد فرهنگی و اदार ساخته است. همچنین میثاق‌های فرهنگی بر اثر بیکاری سست شده و رفاق فرهنگی و تعاملات فرهنگی جای خود را به ستیز و نفايلات فرهنگی داده و شیوه‌های قومی برخاسته از منظومه‌های فرهنگی به مرور کارکردهای خود را از دست داده و به نوعی، بی‌هویتی فرهنگی را سبب می‌شود. فرهنگ همبستگی‌های خانوادگی و گروه‌های کاری همیار، مسیری تلاش پذیر به خود می‌گیرد و فرهنگ

مسئولیت پذیری به گریز از آن تغییر شکل می‌دهد و همچنین فرهنگ رقابت سالم برای دستیابی به کسب موقعیت به استفاده از هر وسیله و ابزاری بر کسب کار و شغل تبدیل می‌شود. به علاوه روند فرهنگ پذیری برای فرزندان خانواده دچار وقفه یا تغییر جهت می‌شود. متأسفانه پیامدهای روان شناختی بیکاری بر روی تعدادی از افراد بیکار از روی تغییرات رفتاری و خلقی می‌توان قابل مشاهده باشد که برخی از این رفتارها انزوا طلبی، رفتارهای ضد اجتماعی، کاهش رفتارهای عاطفی، تلقین پذیری و تحریک پذیری می‌باشند (کاهه، ۱۳۸۵).

بیکاری در سطح کلان اقتصادی موجبات کاهش درآمد ملی تولید ناخالصی داخلی و ملی و به تبع آن به کاهش درآمد سرانه می‌انجامد و آثار آن می‌تواند موجب کند شدن و یا توقف برنامه‌های عمرانی و توسعه اقتصادی گردد و احتمالاً سبب پدیدار شدن رکود و بروز بحران‌های شدید در ساختار اقتصادی گردیده و به سقوط بخش بزرگی از لایه‌های اجتماعی به زیر خط فقر منجر گردد همچنین وجود بیکاری وسیع می‌تواند سبب استثمار نیروی کار توسط کارفرمایان گردد.

از سویی به دلیل عدم امکان تأمین حداقل نیازمندیها، در روند تحصیل فرزندان و آینده آنها اثر سویی گذارده و در پاره‌ای از مواقع به ترک تحصیل آنها می‌انجامد که خود سبب می‌گردد که برخی از آنها به دام باندهای بزهکار یا دارای فساد اخلاقی افتاده و به پدیده‌های آسیب شناختی روی آورند. مضافاً فردی که بیکار شده و فضای زندگی پرآشوبی دارد می‌تواند آمادگی بیشتری برای اعتیاد و انجام امور خلاف قانون داشته باشد که ممکن است در دام وسوسه‌های کج رفتاری افتاده و ضمن تباه ساختن خود و خانواده، آثار سویی نیز در

ابعاد جامعه بر جای بگذارد. خرابکاری، بزهکاری و روسپیگری بیشتر در بین جوانانی ظاهر می‌شود که از کمترین سطح تحصیلات برخوردارند و در محله‌های فقیرنشین اطراف شهرهای بزرگ به سختی زندگی می‌کنند (ارگاس، ۱۳۸۰).

• آثار تورم در اقتصاد

به طور کلی کسانی که سرمایه‌های خود را به صورت پول نقد نگهداری کرده و پس انداز می‌کنند از تورم متضرر خواهند شد. این مساله به خصوص در کشورهای در حال توسعه که عموماً نرخ سود بهره بانکی پایین و تورم بالاست، سبب می‌شود که نرخ سود واقعی کسب شده توسط پس انداز کنندگان منفی گردیده و لذا ارزش پولی پس انداز شده توسط آنها کاهش یابد. در نتیجه تورم آثار منفی قابل توجهی داشته و سبب می‌شود که پس انداز خصوصی کاهش یابد. از این رو بخش خصوصی به دنبال تبدیل پس اندازها به کالاهایی (طلا، جواهر، سکه، مسکن، زمین) می‌باشد که ارزش آنها در طول زمان همراه با تورم افزایش می‌یابد. خرید پول‌های خارجی را نیز می‌توان یکی از این کالاها باشد این مسئله سبب شکل‌گیری مفهومی تحت عنوان پول داغ در ادبیات اقتصاد می‌گردد. پول داغ در واقع پولی است که افراد تمایل به نگهداری آن ندارند و تمایل دارند که آن را به صورت دارایی‌های دیگر نگهداری کنند. پایین آمدن پس انداز به خاطر تورم، موجب کاهش زمینه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری در کشورها شده و این خود ذخیره سرمایه در کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پایین آمدن ذخیره سرمایه، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده و کل اقتصاد را متأثر می‌سازد. (کوشک نوری، ۱۳۸۶)

زمانی که تورم افزایش می‌یابد معمولاً دستمزدها که از عوامل اصلی هزینه‌های تولیدی می‌باشند، به همراه سطح قیمت‌ها افزایش نیافته و در واقع دستمزد واقعی کاهش می‌یابد. این مساله سبب کاهش هزینه‌های تولید، بالا رفتن سود تولیدکنندگان و بالا رفتن زمین‌ها لازم جهت سرمایه‌گذاری خواهد شد. از طرف دیگر بالا رفتن قیمت‌ها موجب می‌گردد که ارزش حال استقراض و وام‌های گرفته شده توسط واحدهای تولیدی در گذشته کاهش یابد. بنابراین زمین‌های لازم جهت بالا رفتن سود واحدهای تولیدی فراهم شده که خود موجب افزایش زمین‌های لازم جهت سرمایه‌گذاری خواهد شد. مسئله پس انداز اجباری یکی دیگر از مسائلی است که در این زمینه توجه به آن لازم خواهد بود. طبق نظریات اقتصادی زمانی که تورم در اقتصاد وجود داشته باشد، افزایش قیمت‌ها موجب کاهش قدرت خرید افراد گردیده و بنابراین افراد از خرید برخی از کالاها چشم پوشی کرده و به اجبار پس انداز خواهند کرد. البته باید توجه داشت که تمامی استدلال‌های صورت گرفته زمانی قابل قبول و اثرگذار هستند که تورم موجود در اقتصاد یک تورم خفیف و قابل تحمل باشد. زمانی که تورم حالت لجام گسیخته و بسیار شدید به خود می‌گیرد موارد ذکر شده اثر خود را از دست داده و از این رو نه تنها سرمایه‌گذاری افزایش نمی‌یابد بلکه حتی ممکن است که سبب کاهش در سرمایه‌گذاری نیز گردد (کوشک نوری، ۱۳۸۶).

یکی دیگر از اثرات تورم تغییر در مکانیزم توزیع درآمد می‌باشد. زمانی که تورم در حال افزایش است تغییراتی در تقاضای کالاها و خدمات صورت خواهد گرفت. اما این تغییرات در مورد تمامی کالاها به یک شکل و اندازه نبوده و لذا درآمد پاره‌ای از افراد را افزایش و

درآمد برخی دیگر را کاهش می‌دهد. چرا که افراد و خریداران قدرت جانشینی میان کالاها را نیز دارند. از طرف دیگر افزایش قیمت‌ها موجب می‌شود که درآمد افراد صاحب سرمایه و افراد حقوق بگیر که درآمد ثابتی دارند را تحت تأثیر قرار داده و کاهش دهد. حتی اگر درآمد حقوق بگیران افزایش نیز یابد، معمولاً تجربه نشان داده که این افزایش متناسب با افزایش در سطح قیمت‌ها نبوده و لذا درآمد واقعی آن‌ها کاهش خواهد یافت. بنابراین اثر نهایی تورم در ساختار و توزیع درآمد میان افراد و مشاغل مختلف اقتصادی خواهد بود. همچنین تورم می‌تواند به صورت مستقیم بر توزیع مجدد درآمدهای اسمی و واقعی اثرگذار باشد. به اعتقاد لفت ویچ و شارپ^۱ تورم برای برخی از افراد به مثابه مالیات عمل کرده اما برای برخی دیگر یارانه می‌باشد. این موضوع مهمترین اثری است که تورم می‌تواند بر ساختار یک اقتصاد داشته باشد. چرا که تورم موجب می‌شود که قیمت و درآمد برخی از گروه‌های افراد با آهنگی بسیار شدید افزایش یابد اما درآمد پاره‌ای از افراد جامعه بدون تغییر و ثابت باقی بماند. اثر این مسئله افزایش درآمد حقیقی پاره‌ای از گروه‌ها همچون صاحبان حرف و مشاغل، ساکنان اراضی و مستغلات و به ضرر طبقات دیگری همچون کارمندان دولت و یا پس انداز کنندگان خواهد بود در نتیجه عدم تعادل در توزیع درآمد صورت می‌گیرد (کوشک نوری، ۱۳۸۶).

یکی دیگر از آثار تورم ایجاد بلاتکلیفی و نا اطمینانی در تصمیم‌گیری مسئولان بخش خصوصی و دولتی می‌باشد. معمولاً تصمیم‌گیری‌های تولید زمانی می‌تواند موفق باشد که شرایط اقتصاد یک شرایط و

^۱.. leftwich-J & sharp.W (1974), Economics of social Issues, Business publications inc,Dallas,P:258.

پایدار باشد در صورتی که یک واحد تولیدی تصمیم به افزایش سرمایه و انجام سرمایه‌گذاری را دارد. در این حالت مسئولان این واحد تولیدی باید قادر باشند که چشم اندازی را از آینده بازار مربوط به کالایی که تولید می‌کنند، قیمت این کالا در بازار، هزینه‌های تولید در آینده داشته باشند. تا با استفاده از آن‌ها و محاسبه ارزش حال خالص سود خود تصمیم‌گیری نمایند که آیا افزایش سرمایه به نفع آن‌ها خواهد بود یا خیر. حال اگر شرایط یک شرایط تورمی باشد، پیش بینی قیمت‌ها و شرایط بازار در آینده برای مسئولان این واحدهای اقتصادی با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهد شد. از این رو تصمیم‌گیری برای مسئولان را در این زمینه با مشکل روبرو کرده و موجب خواهد شد که تا شرایط حالت نامتعادلی به خود بگیرد. در مجموع تورم سبب یک عدم اطمینان نسبت به آینده شده که پیش بینی شرایط آن‌ها برای تصمیم گیران اقتصادی چه در بخش خصوصی و چه در بخش عمومی با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهد کرد. (کوشک نوری، ۱۳۸۶)

تورم ساختار بودجه دولت را به طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار می‌دهد. زمانی که سطح قیمت‌ها افزایش می‌یابد، معمولاً ارزش واقعی هزینه‌های دولتی کاهش خواهد یافت. از این رو جهت انجام فعالیت‌های مشخص، دولت مجبور به افزایش هزینه‌های جاری خود خواهد بود. بنابراین میزان هزینه‌های جاری دولت شروع به افزایش می‌کند. از طرف دیگر زمانی که قیمت‌ها شروع به افزایش می‌کند، دولت‌ها جهت حمایت از افراد و اقشار آسیب پذیر جامعه موظف به پرداخت یارانه و کمک‌های بلا عوض به این دسته از افراد بوده که نتیجه نهایی آن افزایش هزینه‌های دولت خواهد بود. این مسئله تا زمانی که درآمدهای دولتی

به موازات افزایش در هزینه‌ها افزایش نیابد سبب کسری بودجه دولت خواهد شد. درآمدهای دولتی شامل درآمدهای مالیاتی می‌باشد. درآمدهای مالیاتی را در این طبقه‌بندی می‌توان به درآمدهای مالیات مستقیم و غیر مستقیم تقسیم نمود. از آنجا که درآمدها مطابق با افزایش قیمت‌ها افزایش نمی‌یابند لذا مالیات‌های مستقیم نیز آن چنان افزایشی نیافته و دولت‌ها تنها می‌توانند از طریق افزایش در مالیات‌های غیر مستقیم درآمدهای مالیاتی خود را افزایش دهند. افزایش مالیات‌های غیر مستقیم از آن جا که به طور مستقیم بر سطح قیمت‌ها تأثیر دارد خود تورم را می‌باشد از این رو است که در اکثر موارد دولت‌ها جهت تأمین کسری بودجه خود به سمت استقرار از سیستم بانکی و چاپ پول روی می‌آورند. استقرار از سیستم بانکی و بالا رفتن بدهی‌های دولت به سیستم بانکی، موجب افزایش حجم پول در جامعه شده که خود در همان زمان و سال‌های بعدی تورم را می‌باشد. از این رو تورم به طور قابل توجهی ساختار بودجه دولت را تحت تأثیر قرار داده و این مکانیزم به صورت معکوس نیز بر سطح قیمت‌ها تأثیر خواهد داشت. (کوشک نوری، ۱۳۸۶)

تورم موجب اثرگذاری بر ساختار بازرگانی و تراز پرداخت‌های کشور شده و کسری در تراز پرداخت‌ها را ایجاد خواهد نمود. چرا که از یک طرف چنانچه قیمت‌های داخلی شروع به افزایش کند، در صورت ثبات قیمت‌های جهانی و یا حداقل تورم کمتر نسبت به داخل کشور، صادرات کاهش یافته و واردات افزایش می‌یابد. افزایش واردات و کاهش صادرات، تراز پرداخت‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد و موجب کسری در تراز پرداخت‌ها می‌گردد. البته این مسئله زمانی که درصد بالایی

از درآمد کشور وابسته به تجارت خارجی بوده و همچنین بیشتر صنایع نقش صادراتی دارند، بیشتر مشهود خواهد بود. چرا که کاهش صادرات موجب تعطیلی و یا حداقل کار کردن با ظرفیت کمتر واحدهای تولیدی شده، بیکاری در سطح جامعه افزایش یافته و درآمد و رشد ملی شروع به کاهش خواهد کرد. البته در مورد تورم و آثار آن بر صادرات باید به کشش تقاضای صادرات اشاره نمود. در پاره‌ای از موارد کالای تولید شده در داخل کشور دارای کشش پایین صادراتی برای کشورهای دیگر می‌باشد. این مسئله زمانی حادث خواهد شد که کالای تولید شده جانشین کمی در مصرف داشته باشد و یا جزء کالاهای اساسی و حساس باشد. در این حالت افزایش در سطح قیمت‌ها، تأثیر زیادی بر تقاضای خارجیان برای این کالا نداشته و لذا نه تنها ارزش صادرات کاهش نیافته، بلکه امکان افزایش نیز دارد. (کوشک نوری، ۱۳۸۶)

در یک محیط تورمی شدید همراه با بیکاری، میزان سرقت، بزهکاری جوانان، فساد مالی و اخلاقی، اعتیاد و غیره به سرعت بالا می‌رود و مشکلات اجتماعی زیادی برای جامعه ایجاد می‌شود و در نتیجه هزینه درمانی زیادی به چنین بیمارانی که در نهایت تبدیل به بیماران روانی خواهند شد، اختصاص خواهد یافت (کریمی، ۱۳۸۴).

از آن جاکه تورم بر بودجه دولت و درآمد و عدم کارآیی اقتصادی و نظایر آن مؤثر است، سبب کمبود منابع مالی در بهداشت و درمان و رکود فعالیتها می‌شود و بر رفتار مصرف کننده نیز تأثیر دارد. در نتیجه، تقاضا برای درمان کاهش می‌یابد. ارائه دهندگان خدمات نیز به علت وجود تورم و ناکافی بودن دستمزدها از کیفیت خدمات خود می‌کاهند؛ در نتیجه اثربخشی خدمات آنها و حتی مراقبت‌های پزشکی

کاسته می‌شود علاوه بر این، افزایش قیمت‌ها قدرت خرید افراد را در طول زمان کاهش می‌دهد، این خود، سبب کاهش پس انداز در جامعه و ایجاد مشکلات در مدیریت مالی افراد می‌شود. به عنوان مثال، افراد نیاز دارند که درصدی از درآمد خود را جهت استفاده در دوران بازنشستگی پس انداز و یا سرمایه‌گذاری کنند، با افزایش تورم و کاهش قدرت خرید، این مقدار کاهش یافته و در دوران بازنشستگی امکان تقاضا و مصرف کمتری وجود دارد که به نوبه خود بر امید به زندگی تأثیرگذار است. (فطرس و همکاران، ۱۳۹۱)

بررسی روند شاخص فلاکت و شاخص توسعه انسانی در ایران و گروه کشورهای منتخب

۳-۱-۳- بررسی روند شاخص فلاکت در ایران

در جدول (۱-۳) روند شاخص فلاکت در ایران در دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۳ آمده است.

جدول (۱-۳): روند شاخص فلاکت در ایران

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
نرخ تورم	۱۳	۱۲	۱۷	۲۶	۱۴	۱۰	۲۱	۲۷	۳۹
نرخ بیکاری	۱۲,۱	۱۱,۶	۱۰,۶	۱۰,۵	۱۲	۱۳,۵	۱۳,۳	۱۳,۱	۱۳,۲
شاخص فلاکت	۲۵,۱	۲۳,۶	۲۷,۶	۳۶,۵	۲۶	۲۳,۵	۳۴,۳	۴۰,۱	۵۲,۲

منبع: سایت جهانی و محاسبات محقق واحد: درصد

بررسی روند شاخص فلاکت در ایران در دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۵ در جدول (۳-۲) نشان می‌دهد:

- شاخص فلاکت در ایران روند نوسانی داشته است. بیشترین مقدار و نامطلوبترین وضعیت این شاخص مربوط به سال ۲۰۱۳ و کمترین مقدار این شاخص مربوط به سال ۲۰۱۰ می‌باشد.

بررسی روند شاخص توسعه انسانی در ایران

در جدول (۳-۲) روند شاخص توسعه انسانی در ایران در دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۵ آمده است.

جدول (۳-۲): روند شاخص توسعه انسانی در ایران

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
شاخص توسعه انسانی	۰٫۶	۰٫۶۹	۰٫۷	۰٫۷۱	۰٫۷۱	۰٫۷۲	۰٫۷۳	۰٫۷۴۹	۰٫۷۴۹
	۸۱	۱	۰٫۳	۱	۸	۵	۳		

منبع: United Nations Development Reports

روند شاخص فلاکت در ایران در دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۵ در جدول (۳-۲) نشان می‌دهد:

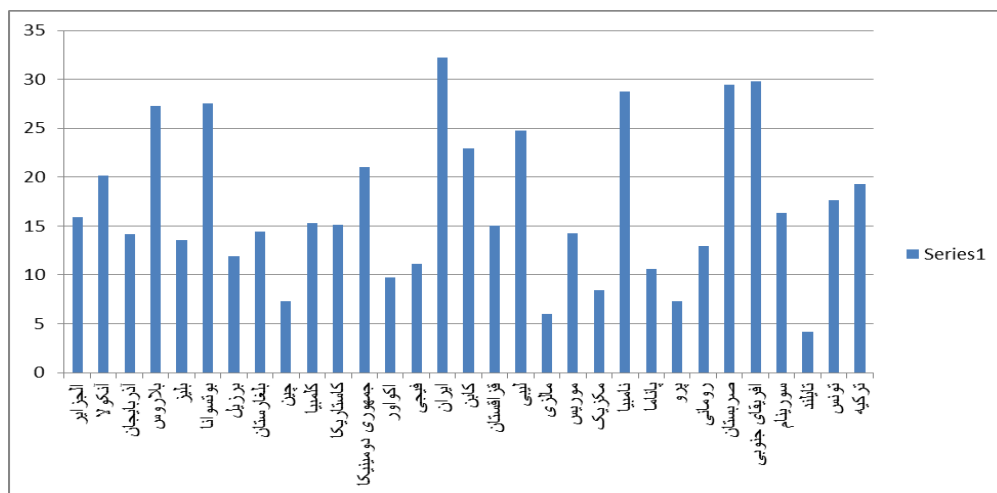
- شاخص توسعه انسانی در ایران روند صعودی داشته به طوری که در

سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ بیشترین مقدار شاخص توسعه انسانی و در سال ۲۰۰۵ کمترین مقدار را داشته است.

بررسی روند شاخص فلاکت در گروه کشورهای منتخب

در نمودار (۳-۳) روند شاخص فلاکت در گروه کشورهای منتخب در آمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۳ آمده است.

نمودار (۳-۳): روند میانگین شاخص فلاکت در گروه کشورهای منتخب



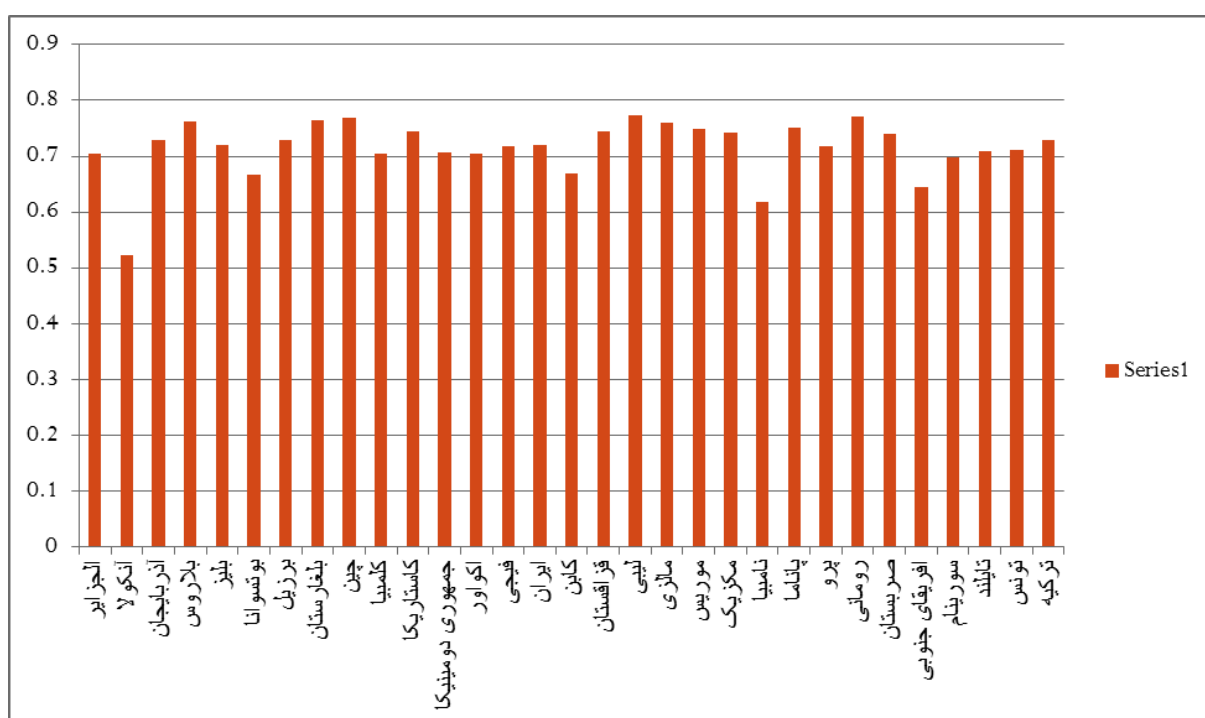
منبع: بانک جهانی ومحاسبات محقق

بررسی روند میانگین شاخص فلاکت در نمودار (۳-۳) در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط نشان می‌دهد:

- کشورهای ایران و تایلند به ترتیب بیشترین (بدترین وضعیت) و کمترین (بهترین وضعیت) مقدار را در میان ۳۱ کشور منتخب در میانگین شاخص فلاکت کسب نموده اند.
- ایران رتبه اول را در میان ۳۱ کشورهای منتخب درآمد متوسط در میانگین شاخص فلاکت کسب نموده است.

بررسی روند شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب در نمودار (۳-۴) روند شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۳ آمده است.

نمودار (۳-۴): روند میانگین شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب



منبع: United Nations Development Reports و محاسبات محقق

- روند میانگین شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۳ در نمودار (۳-۴) نشان می‌دهد:
- کشورهای بلاروس و آنگولا به ترتیب بیشترین (بهترین وضعیت) و کمترین (بدترین وضعیت) مقدار را در میان ۳۱ کشور منتخب در میانگین شاخص توسعه انسانی کسب نموده‌اند.
 - ایران رتبه ۲۵ در میان ۳۱ کشورهای منتخب درآمد متوسط در

میانگین شاخص توسعه انسانی کسب نموده است.

نتیجه گیری

از عوامل تاثیرگذار بر شاخص توسعه انسانی، شاخص فلاکت است. اختلافی که تورم در قیمت‌های نسبی به وجود می‌آورد، سبب می‌گردد که کارایی نظام بازار در تخصیص منابع کاهش یابد چرا که تخصیص انواع کالاهای صنعتی به تناسب تورم تغییر نمی‌کند بنابراین تولید به خوبی صورت نمی‌گیرد و در نهایت درآمد ملی سرانه که از عوامل تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی می‌باشد، کاهش می‌یابد. همچنین بیکاری به عنوان دیگر مولفه شاخص فلاکت، می‌تواند توازن را در بخش آموزش و سلامت بر هم زده و سبب کاهش توجه مردم به خصوص حقوق بگیران به این دو بخش گردد.

بیکاری موجب تضعیف ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای رفتاری می‌گردد و حتی در روند استمرار آن گاهی به رفتارهای ضد اخلاقی و غیرارزشی تبدیل می‌شود. همچنین میثاق‌های فرهنگی بر اثر بیکاری سست گردیده و شیوه‌های قومی برخاسته از منظومه‌های فرهنگی به مرور کارکردهای خود را از دست داده و به نوعی، بی‌هویتی فرهنگی را سبب می‌شود. فرهنگ همبستگی‌های خانوادگی و گروه‌های کاری همیار، مسیری تلاش پذیر به خود می‌گیرد و فرهنگ مسئولیت پذیری تغییر شکل می‌دهد همچنین فرهنگ رقابت سالم برای دستیابی به کسب موقعیت به استفاده از هر وسیله و ابزاری بر کسب کار و شغل تبدیل می‌شود. روند فرهنگ پذیری برای فرزندان خانواده دچار وقفه یا تغییر جهت می‌شود.

نتایج حاصل از بررسی روندها در گروه کشورهای منتخب نشان می‌دهد:

- روند شاخص‌های فلاکت نوسانی بوده است.
- بیشترین مقدار و نا مطلوب‌ترین وضعیت این شاخص مربوط به سال ۲۰۱۳ و بهترین و کمترین مقدار این شاخص مربوط به سال ۲۰۱۰ می‌باشد.
- شاخص توسعه انسانی در ایران روند صعودی دارد.
- بهترین و بیشترین وضعیت شاخص توسعه انسانی در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ و بدترین و کمترین وضعیت آن در سال ۲۰۰۵ می‌باشد.
- کشورهای ایران و تایلند به ترتیب بیشترین (بدترین وضعیت) و کمترین (بهترین وضعیت) مقدار را در میان ۳۱ کشور منتخب در میانگین شاخص فلاکت کسب نموده‌اند.
- ایران رتبه اول را در میان ۳۱ کشورهای منتخب درآمد متوسط در میانگین شاخص فلاکت کسب نموده است.
- کشورهای بلاروس و آنگولا به ترتیب بیشترین (بهترین وضعیت) و کمترین (بدترین وضعیت) مقدار را در میان ۳۱ کشور منتخب در میانگین شاخص توسعه انسانی کسب نموده‌اند.
- ایران رتبه ۲۵ در میان ۳۱ کشورهای منتخب درآمد متوسط در میانگین شاخص توسعه انسانی کسب نموده است.

منابع

- اخوی، احمد. (۱۳۷۴) "اقتصاد کلان پایه ای و کاربردی"، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- ارگاس فوروندا، اسکار (۱۳۸۰)، علوم اجتماعی و مشکل بیکاری جوانان در جهان، ترجمه سازمان ملی جوانان، تهران: نشر روناسامین صارمی.
- آصف زاده سعید، محبی فر رفعت، منتظری علی، محمد علیخانی سلیمه (۱۳۹۱)، بررسی شاخص توسعه انسانی (HDI) در ایران و کشورهای منتخب، فصلنامه پایش، نیمه اول ۱۳۹۱، شماره ۴، صفحه ۴۳۲
- حسینی صفدر (۱۳۸۹). بررسی تورم و بیکاری در اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران / سال چهاردهم / شماره ۴۳ / تابستان ۱۳۸۹ / صفحات ۲۳-۵۴.
- محمودی، بهزاد، (۱۳۸۸)، شاخص فلاکت در ایران، گروه پژوهشی اقتصاد/ کمیته علمی شاخص سازی و آینده پژوهی، دروه ۴
- بخشوده، محمد، (۱۳۸۵)، روند توسعه انسانی در ایران، فصلنامه توسعه و بهره وری، سال اول، شماره دوم، ص ص ۲ تا ۹.
- دانش جعفری، داوود. و [دیگران]. (۱۳۹۳). اقتصاد در افق ۱۴۰۴. تهران: نور علم
- دورنبوش، رودیگر. فیشر، استنلی. (۱۳۸۰). کتاب اقتصاد کلان، ترجمه محمد حسین: تهران: سروش.
- دادگر یدالله، نظری روح اله (۱۳۹۲). بررسی تاثیر شاخص فلاکت بر جرم و جنایت در ایران، مجله نامه مفید، شماره ۹۹، پاییز ۱۳۹۲ ص ۶۳.
- ذبیحی محمدرضا (۱۳۹۱)، بررسی ابعاد بیکاری و رابطه آن با دو متغیر تورم

و رشد اقتصادی، اولین کنفرانس ملی مهندسی صنایع و سیستم‌ها. رضانی، الهه. (۱۳۹۲). اثر نامتقارن درآمد نفتی بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای منتخب صادر کننده نفت، تحقیق کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی-برنامه ریزی و تحلیل سیستم‌های اقتصادی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات. شماره تحقیق: ۴۱۴۳۴، سال (۱۳۹۲).

سهیلی کیومرث، الماسی مجتبی، سقایی مریم (۱۳۹۱)، ارزیابی اثر تورم انتظاری، رشد نقدینگی، تورم وارداتی، شکاف تولید و نرخ ارز بر نرخ تورم در ایران، پژوهشنامه اقتصاد کلان (پژوهشنامه علوم اقتصادی)، نیمه اول ۱۳۹۱، دوره ۷، شماره ۱۳.

فطرس، محمد حسن. اکبری شهرستانی، فاطمه. میرزایی، محمد. (۱۳۹۱). بررسی اثر آزادی اقتصادی بر امید به زندگی. فصلنامه راهبردی اقتصادی. شماره ۳. فرجی، یوسف، (۱۳۸۴). اقتصاد کلان، تهران: کویر.

قره‌باغیان، مرتضی، (۱۳۷۶). فرهنگ اقتصاد و بازرگانی، تهران: رسا.

سامتی، مرتضی. صمدی، سعید. (۱۳۸۳) برآورد نرخ بهینه بیکاری و مقایسه آن با نرخ طبیعی، آرشیو پایگاه اطلاعات علمی ایران.

حصاری، علی. (۱۳۸۸). وضعیت شاخص توسعه انسانی در سال ۱۳۸۶، هفته نامه، شماره ۳۱۸.

کریمی، ایرج. (۱۳۸۴). اقتصاد سلامت، جلد دوم، تهران: نشر گپ.

مداح مجید (۱۳۹۰)، «بیکاری و بزهکاری در ایران: تحلیل نظری و تجربی»، فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۸۶، صص ۱۹۷-۱۸۸

کاهه، حماسه. (۱۳۸۵). میزان تأثیر آموزش بر چگونگی برگشت مقرری بگیران بیمه بیکاری سازمان تأمین اجتماعی در محدوده استان تهران به بازار کار در طی سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵، تحقیق کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم

و تحقیقات.

کوشک نوری، سمیه. (۱۳۸۶-۸۷). بررسی ارتباط متقابل نرخ ارز و تورم در اقتصاد ایران، تحقیق کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی-توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات.

گودآسیایی، محسن. (۱۳۹۰). اثر نا اطمینانی نرخ ارز بر بیکاری در ایران، تحقیق کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات.

مهدی پور آهنگر، هنگامه. (۱۳۸۷-۸۸). بررسی رابطه بین تورم و رشد اقتصادی در ایران، تحقیق کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی-برنامه ریزی و تحلیل سیستم های اقتصادی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات.

محنت فر یوسف، میکائیلی وجیهه (۱۳۹۲)، ارزیابی ارتباط نرخ تورم و شکاف تولید در ایران، فصلنامه سیاستهای مالی و اقتصادی سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، صفحات ۹۷-۱۱۶

منکیو، گریگوری، (۱۳۸۳). اقتصاد کلان، ترجمه علی پاریسیان، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

Apel, M. and P. Jansson. (1999). "System Estimates of Potential Output and the NAIRU". Empirical Economics. 24:373-388.

Abbas Khan, Z., Yahya, F., Nauman, M., Farooq, A., 2013, The Association and Impact of Inflation and Population Growth on GDP: A Study of Developing World, INTERDISCIPLINARY JOURNAL OF CONTEMPORARY RESEARCH IN BUSINESS, Vol. 4, No. 9, pp. 903-910.

Jha , R , Dang, TN. (2012). Inflation variability and the relationship between inflation and growth. Macroeconomics and Finance in Emerging Market Economies , Vol 5 ,pp 3-17.

Halicioglu, F. (2011), "Modeling Life Expectancy in Turkey", Economic Modelling, Vol. 28, No. 5, PP. 2075-2082.

- Marwan king and Engineer ian,(2008) The human development index as a optimal Planning, Published in:
Indian Growth and Development Review,vol2, pp172-192.
- .Tang, C.F. and Lean, H.H. (2007).The stability of Phillips curve in Malaysia. ABERU Discussion Paper, No
39, Monash University, Australia.
- John son, H , (1978) , selected Essayas in Monetary Economics , George Allen, Unwin , London.
- Süleyman Emre Özcan, Sezgin Açıklın (2015), Relationship between Misery Index and Lottery Games: The
Case of Turkey, International Journal of Humanities and Social Science Vol. 5, No. 7(1); July 2015
- Siyang Wang & Burton A. Abrams (2007) The Effect of Government Size on the Steadystate Unemployment
Rate: An Error- Correction Model Department of Economics
- Ülengin. F. and Kabak,O. and Önsel,S. and Aktas,E. and Parker, B. R. (2011),"The competitiveness of nations
and implications for human development" ,Socio Economic Planning Sciences, 45, 16-27
- Reiter, S.L. and Steensma, H. K. (2010) ,"Human Development and Foreign Direct Investment in Developing
Countries: The Influence of FDI Policy and Corruption" ;World Development ,Vol. 38, No. 12, pp. 1678–1691.